

## شتابگیری ماشین سرکوب حکومت

### و برفی انگیزه های قابل تصور

سرکوب آزادیخواهان در اشکال مختلف، زندان، شکنجه، اعدام، ترور، قتل های خیابانی و بلاخره، ترور شخصیت، تواب سازی و «اعترافات» تلویزیونی، با جمهوری اسلامی همزاد است. اما همانطور که شاهدیم این روزها موج جدید و گسترده ای از خشونت عوامل حکومت، علیه بخش های گسترده تری از افشار اجتماعی به راه افتاده است و از هر گوشه ای از گستره پهناور ایران قربانی می گیرد.

نظری بر اخبار رسانه های همگانی، به ویژه سایت های اینترنتی که در معرض سانسور کمتری قرار دارند، بیانگر صدها و بلکه هزاران مورد بازداشت و احکام خود سرانه ای است که از جانب دستگاه های انتظامی، امنیتی و قضائی جمهوری اسلامی صادر و به اجرا گذاشته میشوند که ذکر مجدد آن ها صفحات چندی را به خود اختصاص می دهد.

ویژگی دیگر این موج جدید، جدا از گستردگی آن، یورش است که از محدوده احزاب و فعالین سیاسی فراتر رفته است و با گذر از نهادهای مدنی، سندیکائی و مطالبه کنندگان حقوق فرهنگی، ملی و قومی، گروه وسیعی از زنان و پسران جوان را به جرم «بدحجابی» و آرایش غیر طالبانی موی سر، در بر گرفته است. رقم بالای صد هزار تذکر یا بازداشت (ولو موقت) زنان «بد حجاب»، حتی در سال های قدر قدرتی جمهوری اسلامی نیز سابقه نداشته است.

دستگیری صدها تن از ناراضیان سهمیه بندی بنزین که در واکنشی خود جوش، خشم خود را نسبت به این تصمیم دولت نشان داده بودند، گواه دیگری است از زبان زور حکومتیان حتی در مقابل اقتدار کم در آمدی که می بایست پول نفت را با روی کار آمدن محمود احمدی نژاد بر سر سفره خود ببینند.

مشاهده چنین اوضاعی، در کنار موقعیت کما بیش متزلزل رژیم در صحنه داخلی و بین المللی، بدون تردید هر ناظر سیاسی امور ایران را بر آن می دارد تا در انگیزه های سیاست گذاران چنین حکومتی تعمق نماید تا شاید برای زاویه ای از این صحنه پر ابهام پاسخی بیابد.

برای این معادله بغرنج قطعاً دلایل و انگیزه های مختلفی را می توان برشمرد اما در اوضاع کنونی شاید بتوان بر سه روند عمده انگشت گذاشت:

۱- کمتر از ۶ ماه به انتخابات هشتمین دور مجلس شورای اسلامی مانده است. اگر امروز چنین انتخاباتی برگزار می شد به احتمال قوی دو جبهه و تنها همین دو جبهه با دو استراتژی کمابیش روشن در مقابل هم صف آرائی می کردند. در یک سو جناح کنونی حاکم بر قوای سه گانه، مجلس خبرگان و در رأس همه آن ها آیت الله علی خامنه ای و بیت و نمایندگان وی که در بدترین حالت، حفظ وضع موجود را نشانه گرفته اند. و در سمت دیگر، اصلاح طلبان حکومتی تحت زعامت مثلاً کروبی، رفسنجانی و خاتمی، با حذف «تندروهای» درون این جبهه و آرزوی حداقل تکرار آخرین نتایج انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا.

همانطور که گفته شد، هنوز حدود ۶ ماه به این انتخابات مانده است. جواب شورای نگهبان به کاندیداهای خارج از این دو جبهه که نام برده شد از قبل روشن بود: حذف صد در صدی. سخنان دو هفته پیش علی خامنه ای در برابر همین «شورا» مبنی بر کنار گذاشتن مصلحت ها و حذف کسانی که مرعوب تبلیغات غرب می باشند، تکلیف این فقها را که چندان هم به چنین دستور العمل هائی احتیاج نداشتند روشن کرد و جناح اصلاح طلب حکومتی هم باید حساب خود را از هم اکنون کرده باشد.

واقعیت چنین رویارویی ای هر گاه قرار نباشد به عدم ایستادگی و بی اعتباری مطلق این جناح منجر شود، رقابت نسبتاً مشکلی را پیش روی هر دو جناح حکومتی گشوده است. به نظر می رسد به مصداق مثل معروف «دست پیش را بگیر تا عقب نیفتی»، حزب پادگانی از هم اکنون دست به کار شده است تا بادیستگیری اصلاح طلبان بیرون یا پیرامون حکومت، جناح رقیب را مرعوب سازد. مطبوعات و سایت های اینترنتی آنها بسته یا فیلترینگ می شود، سانسور و خود سانسوری بر نشریات موسوم به اصلاح طلب اعمال می گردد و پشت جبهه آنها در میان جوانان و دانشجویان با انواع روشها درهم شکسته می شود تا زایمان این هشتمین دور انتخابات مجلس شورای اسلامی هم بدون ریسک و رنج مهمی سپری شود.

۲- «بحران هسته ای» و مناسبات جمهوری اسلامی با آژانس بین المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل وارد فاز حساس و تعیین کننده ای شده است. آثار همین حد از تحریم های بین المللی بر اقتصاد بیمار ایران فشار آورده و هر گاه گشایشی در کار این پرونده حاصل نشود، در آینده نزدیک، در بهترین حالت، تشدید تحریم ها محتمل است. از سوئی دیگر این جا و آنجا شنیده می شود که علیرغم تبلیغات ظاهری ایستادگی بر مواضع دوساله گذشته، احتمال برخی سازش ها بر سر همین مواضع در میان مسئولین جمهوری اسلامی قوت می گیرد. تابوی مذاکرات با «شیطان بزرگ» که تا دیروز از جانب رهبر رژیم بی غیرتی تلقی می شد، هم اکنون در چارچوب موضوع عراق شکست شده است و از سخنگوی وزارت خارجه نیز شنیده می شود که در بحث پرونده هسته ای نیز، انجام مذاکره مستقیم با آمریکا قابل فکر است.

مسیر حوادث در هریک از جوانب فوق سیر نماید، بدون تردید شکست جناح حاکم در جمهوری اسلامی را به نمایش می گذارد و اینان به خوبی می دانند که نتایج حاصل از چنین شکستی نه از چشم جناح رقیب دور خواهد ماند و نه مردم و نیروهای مخالف و اپوزیسیون رژیم و این نیز می تواند انگیزه دیگری باشد بر بستن دهن ها، شکستن قلم ها و بالاخره گروگان گرفتن فعالین جنبش های سیاسی، اجتماعی و مدنی.

۳- آثار تحریم پیش گفته، زندگی را بر مردم، به ویژه اقشار کم در آمد، تا همین جا دشوار تر کرده است. سهمیه بندی بنزین اگر چه هنوز ورود آن مشمول تحریم نشده است، اما در یک فرار به جلو از جانب دولت و مجلس اسلامی، با پیش بینی روزهای دشوارتر به اجراء گذاشته شده است. می دانیم کمبود این فراورده و افزایش قابل پیش بینی نرخ آن تا حدود ۶۰۰ درصد، بر تمام مایحتاج زندگی اعم از حمل و نقل و خوراک و پوشاک و ... تأثیر گذار خواهد بود و تا همین جا گفته می شود که قیمت برخی اجناس را تا دو برابر افزایش داده است. چنانکه از سخنان رئیس مجلس شورای اسلامی بر می آید «مردم نباید در فکر بالش نرم در زیر سرشان باشند».

واکنش خود جوش و اولیه مردم به طرح سهمیه بندی بنزین، در شرایطی که هنوز همه عوارض آن بر همگان آشکار نبود، باید این هشدار را به امثال آقای حداد عادل ها هم داده باشد که اینان نیز دیگر نمی توانند سر آسوده بر بالین بگذارند. ایشان به همراه یارانشان در دولت «مهر ورز» لابد به این نتیجه رسیده اند که خیزش های اجتماعی گرسنگان در راه است و بنا بر این بهتر است با حذف فعالین سیاسی و اجتماعی، شانس هر گونه رهبری و نتیجه مندی چنین اعتراضاتی را از پیش خنثی نمایند. اما آنچه این مجموعه از آن بی خبرند یا ترجیح می دهند برای قوت قلب هم شده به روی خود نیاورند، این واقعیت است که نه شرایط اجتماعی و سیاسی ایران در موقعیت دهه ۶۰ شمسی قرار دارد که فوج فوج آزادیخواهان ایران به جوخه های اعدام سپرده شوند و فریاد دادخواهی آنها جز با بانگ های پر آواز اما محدود یاران آنها به گوش کسی نرسد و نه صحنه بین المللی از چنین آرایشی بر خوردار است که دیکتاتورها در اردوگاهی جا خوش کنند و به صرف تأمین منافع اقتصادی یکی از دو قطب آن زمان، برای بقاء خود دست به هر جنایتی بزنند. ۳۰ تیر ۱۳۸۶ - ۲۱ ژوئیه ۲۰۰۷

امکان انفجارهای توده‌ای و به میدان آمدن جنبش‌های وسیع مردمی واقعی تر شده است. نیروهای مترقی و آزادیخواه باید در اندیشه ایجاد چشم انداز برای این جنبش باشند. کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران سیاست سرکوبگرانه جمهوری اسلامی را محکوم می‌نماید و خواهان آزادی فوری منصور اسانلو، دانشجویان بازداشتی و همه زندانیان سیاسی است. ما نهادهای دفاع از حقوق زندانیان سیاسی، مدافعان حقوق بشر، سازمان‌های سیاسی و سایر هموطنان آزادیخواه را فرا می‌خوانیم که برای مقابله با سیاست‌های سرکوبگرانه حکومت و آزادی تمامی زندانیان سیاسی از هیچ تلاشی دریغ نورزند.

### کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

۲۰ تیر ۱۳۸۶ برابر ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۷



حکومت تبدیل شود. سهمیه بندی بنزین از اولین نشانه‌های این ضعف است که در شرایط کنونی اعمال می‌شود. این سهمیه بندی بر افزایش قیمت‌ها به سرعت اثر گذاشته و تورم را بالاتر برده است. حکومت که تا کنون در بحران می‌زیسته است، با افزایش تورم نگران رشد نارضایتی‌ها و گسترش جنبش‌ها است و برای مقابله با آن، با هدف ارعاب مردم، به تشدید هر چه بیشتر سرکوب روی آورده است.

دزدیدن اسانلو جزئی از تشدید سیاست سرکوب جمهوری اسلامی و یکی از حلقه‌های تهاجم علیه جنبش‌های سیاسی و مدنی است که این حکومت در دستور خود نهاده است. در ۱۸ تیر ماه، ده‌ها تن از دانشجویان دستگیر شده‌اند. طی ماه‌های اخیر، فشار بر فعالان جنبش زنان دامنه بیشتری پیدا نموده است. اجرای حکم سنگسار، صدور احکام اعدام برای نوجوانان، بازداشت و بلاگ نویسان و روزنامه نگاران، بستن روزنامه‌ها و نشریات، بازداشت فعالان حقوق اقوام و ملیت‌ها، کارگران، معلمان و ... همه و همه نشانه‌هایی از این تهاجم و برای مقابله با هر گونه امکان خیزش‌های مردمی است.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران همه آزادیخواهان را فرا می‌خواند که حساسیت اوضاع سیاسی کنونی را دریافته و صفوف خود را برای مقابله با تشدید سرکوب فشرده تر نمایند. امروز وضعیت به گونه‌ای است که در اثر فشارهای خارجی و سیاست‌های سرکوبگرانه داخلی و فقر و فساد و نابرابری‌های اجتماعی،

## جمهوری اسلامی منصور اسانلو را رها!

ما خواستار آزادی فوری وی  
و دیگر بازداشت شدگان اخیر هستیم.

ساعت ۷ شب سه شنبه نوزدهم تیرماه، منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، توسط ماموران مخفی جمهوری اسلامی دزدیده شد. این چندمین بار است که حکومت ایران منصور اسانلو را به شیوه آدم ربایان بازداشت می‌کند. «جرم» منصور اسانلو مسئولیت در سندیکائی است که از حقوق صنفی کارگران دفاع می‌کند. اسانلو به همین جرم چندین بار به زندان افتاده و بارها مورد ضرب و شتم قرار گرفته و یکبار نیز زبانش را بریده‌اند تا نتواند کلامی در دفاع از حقوق کارگران بر زبان راند.

سیاست‌های ماجراجویانه جمهوری اسلامی، که مقابله با نهادهای بین‌المللی را در پی داشته است و تا کنون به صدور دو قطعنامه تحریم علیه ایران از سوی شورای امنیت انجامیده است، به تدریج اثرات خود را نشان می‌دهد.

تحریم‌های محدود شورای امنیت، جمهوری اسلامی را زیر فشار قرار داده است. نفت که برگ برنده جمهوری اسلامی بوده است به دلیل نقش درجه اولش در اقتصاد ایران، امروز می‌تواند به بزرگترین نقطه ضعف

بیانیه مشترک چهارشنبه ۱۰ مرداد ۱۳۸۶

## در کارزار بین‌المللی برای آزادی اسانلو و صالحی فعالانه شرکت کنیم

ایرانیان آزاده!

منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکای کارکنان شرکت واحد یک ماه است که توسط مامورین امنیتی در نزدیکی خانه اش ربوده شده و به زندان اوین منتقل گردیده است. اسانلو از سه هفته پیش ممنوع الملاقات است و خانواده اش نگران وضعیت او هستند.

محمود صالحی فعال سندیکای کارگران خباز شهر سقز ماه‌ها است که در زندان بسر می‌برد. وی به شدت بیمار است و نیاز به معالجه دارد. اما او محروم از امکان معالجه و درمان هم چنان در زندان است.

بازداشت و زندانی کردن این دو فعال سندیکایی به دلیل فعالیت سندیکایی و محکوم شدن آنان در دادگاه‌های فرمایشی رژیم به مجازات زندان، اعتراضات گسترده‌ای را در ایران و جهان، به خصوص در میان اتحادیه‌های کارگری پر نفوذ و معتبر بین‌المللی برانگیخته است. این اتحادیه‌ها، نهادهای دموکراتیک و سازمان‌های حقوق بشری، تا کنون با صدور بیانیه و ارسال نامه اعتراضی، بازداشت و زندانی کردن فعالین سندیکایی و سرکوب فعالیت سندیکایی در ایران توسط رژیم را غیر قانونی، مغایر با کنوانسیون‌های حقوق سندیکایی مصوب سازمان بین‌المللی کار و مغایر حقوق انسانی و اجتماعی مندرج در منشور جهانی حقوق بشر توصیف کرده‌اند و با تقبیح و محکوم کردن اعمال جمهوری اسلامی، خواهان رعایت حقوق سندیکایی کارگران و آزادی فعالان کارگری و لغو احکام صادره علیه کارگرانی شده‌اند که برای تامین حقوق سندیکایی مبارزه می‌کنند.

در همبستگی با مبارزه کارگران ایران، کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری و فدراسیون بین‌المللی حمل و نقل که ده‌ها میلیون عضو در سراسر جهان دارند، روز ۱۸ مرداد (چهارم اوت) را به عنوان روز بین‌المللی اعتراض به سرکوب حقوق سندیکایی در ایران و بازداشت منصور اسانلو و محمود صالحی اعلام کرده‌اند.

به همین منظور، این دو اتحادیه نیرومند جهانی در حال تدارک کارزار اعتراضی وسیعی در ابعاد جهانی علیه نقض حقوق سندیکایی در ایران هستند. در اعلامیه‌ای که از طرف این دو اتحادیه انتشار یافته، خطاب به دولت ایران گفته شده است که اگر تا روز چهارم اوت منصور اسانلو و محمود صالحی را آزاد نکنند، دو اتحادیه در روز ۱۸ مرداد کارزار بین‌المللی همبستگی با کارگران ایران را عملی خواهند کرد.

ما ضمن استقبال از ابتکار کنفدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری و فدراسیون جهانی حمل و نقل برای راه اندازی کارزار بین‌المللی علیه نقض حقوق سندیکایی در ایران، اعلام می‌داریم که فعالان در این کارزار جهانی شرکت می‌کنیم.

ما همه احزاب، سازمان‌ها، اتحادیه‌ها و نهادهای دموکراتیک طرفدار حقوق بشر، دموکراسی و عدالت را به شرکت موثر در این کارزار انسانی و دموکراتیک که به منظور پشتیبانی و همبستگی جهانی با کارگران ایران و خانواده‌های کارگران زندانی برگزار می‌شود، فرا می‌خوانیم.

ما خواهان آزادی بدون قید و شرط منصور اسانلو و محمود صالحی، لغو احکام صادره علیه فعالین کارگری و رعایت حقوق سندیکایی کارگران ایران هستیم.

حزب دمکرات کردستان ایران،

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران،

سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت،

کومه له - سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

فراخوان کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری و فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل:



۱۸ مرداد ماه، روز همبستگی بین المللی،  
برای آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی



نامناسب پزشکی در زندان در خطر است.

فراخوان اقدام در ۱۸ مرداد ماه

ما امیدواریم که هم اسانلو و هم صالحی قبل از تاریخ مورد نظر و به خاطر فشارهای مستمری که بر مقامات ایران تا آن تاریخ وارد خواهیم کرد آزاد بشوند. اما اگر یکی یا هر دو آنها همچنان تا پنجشنبه ۱۸ مردادماه در بازداشت بماند، ما از همه اتحادیه های وابسته به "آی تی یو سی" و "آی تی اف" و فدراسیون های جهانی اتحادیه ها می خواهیم روز بین المللی اقدام در همبستگی با کارگران ایران را در آن تاریخ برگزار کنند. پنجشنبه ۱۸ مرداد ماه دقیقاً روزی است که از آزادی منصور اسانلو از بازداشت قبلی یک سال می گذرد. آن آزادی، بدون شک نتیجه اعتراضات و فشارهای مستمر جنبش بین المللی اتحادیه های کارگری بود. شما هم اقدام موفقیت آمیز روز اقدام در تاریخ ۱۵ فوریه ۱۳۸۵ را به یاد دارید که در واکنش به دستگیری های وسیعی بود که توسط مقامات ایرانی در ماه قبل از آن، زمانی که سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران برای آزادی اسانلو اعلام اعتصاب یک روزه کرده بود، صورت گرفت.

پیشاپیش از شما سپاسگزاریم.

با احترامات برادرانه

"کای رایدن" دبیر کل "آی تی یو سی"  
"دیوید کاکرافت" دبیر کل "آی تی اف"



پرونده ایشان آشکارا توسط اداره اطلاعات و امنیت دستکاری شده است. "آی تی یو سی" و "آی تی اف" اخیراً نامه اعتراضی مشترکی در ۲۰ تیرماه به دولت ایران نوشته و به کمیته آزادی تجمع و تشکل "آی ال او" نیز اطلاعات جدید را ارائه کرده اند. بعلاوه، "آی تی اف" طومار الکترونیکی "منصور اسانلو را آزاد کنید" را به راه انداخت. از این طومار استقبال زیادی شده است.

در این میان بسیاری از اتحادیه های وابسته نامه های اعتراضی ارسال کرده اند. تعدادی از اتحادیه ها اقدامات اعتراضی در سفارت های ایران داشته اند. اتحادیه های کارگران حمل و نقل در کشور های غربی نیز متحدانه و به طور جمعی همبستگی خود را با منصور اسانلو اعلام کرده اند.

محمود صالحی؛ کمیته هماهنگی برای سازماندهی کارگران

شرایط سلامتی محمود صالحی به سرعت رو به خطر می رود. ایشان عضو هیئت موسس انجمن کارگران خباز سقز و کمیته هماهنگی برای سازماندهی کارگران بودند. فعالیت های ایشان همواره آزار و اذیت های مقامات را به دنبال داشته و علیرغم وضعیت نامناسب سلامتی، در سنجند در استان کردستان که از سقز و خانواده او به دور است، زندانی است. بسیاری از اتحادیه های وابسته، به درخواست "آی تی یو سی" در تاریخ ۲۰ تیرماه برای اقدام اعتراضی واکنش نشان داده اند. حالا ما از شما می خواهیم که برای اعمال فشار قدم پیش بگذارید چرا که شواهد مستندی وجود دارد که زندگی صالحی به خاطر مراقبت های

دوستان گرامی

ما از شما می خواهیم که سازمانتان در تاریخ ۱۸ مرداد ماه ۱۳۸۶ برای دو زندانی مشهور اتحادیه کارگری در ایران: منصور اسانلو و محمود صالحی، به روز اقدام بین المللی بپیوندند. ما می دانیم که فصل تابستان بویژه در نیمکره شمالی، برای روز اقدام همبستگی بین المللی زمان مناسبی نیست. اما ما معتقدیم که اوضاع خاص این دو مورد ضرورتی است برای یک اقدام جدی و فوری، گرچه خواستار این هستیم که این دو همکار زندانی ما تا آن زمان آزاد بشوند.

منصور اسانلو، رئیس سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه (سندیکای واحد)

بسیاری از شما شرح دیدار و ملاقات های منصور اسانلو را از "آی تی اف" و "آی تی یو سی" در لندن و بروکسل در خرداد ماه دیده و یا شنیده اید. شورای عمومی "آی تی یو سی" به ویژه بعد از این که اعضا احساسات و استقبال گرم خود را با بلند شدن از صندلی ها به او ابراز داشتند، تصمیم گرفت در صورتی که ایشان بعد از بازگشت به ایران با مشکلی مواجه شود همبستگی کامل خود را با او اعلام کنند.

متأسفانه این دقیقاً اتفاقی بود که افتاد؛ الآن دو هفته از زمان ربودن منصور اسانلو در ۱۹ تیرماه، در حالی که سوار اتوبوسی در تهران بود، می گذرد. در حال حاضر ایشان به زندان بد نام اوین برگردانده شده و به طور مکرر گزارش شده است که ایشان به "توطئه علیه امنیت ملی" متهم است؛

نامه دبیر کل اتحادیه کار ایتالیا به محمود احمدی نژاد

فواهان آزادی فوری منصور اسانلو هستیم

از: دبیر کل اتحادیه کار ایتالیا

به: آقای محمود احمدی نژاد رئیس جمهور

آقای رئیس جمهور

از جانب اتحادیه کار ایتالیا که نماینده ۱۹۰۰۰۰۰ کارگر در ایتالیا است، ما قویاً بازداشت منصور اسانلو رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد را محکوم می کنیم.

ما از طریق سندیکای کارگران شرکت واحد مطلع شدیم که رئیس این شرکت در تاریخ دهم ژوئیه توسط مهاجمان ناشناس در یک اتوبوس شرکت واحد به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و ربوده شد. خانواده او نیز تازه در روز ۱۲ ژوئیه خبر یافته اند که او در زندان اوین نگهداری می شود.

با توجه به سابقه آزار و تعقیب آقای اسانلو، ما براین باوریم که دلیل بازداشت او فعالیت های سندیکائی اش است که این امر از نظر حقوق بین المللی غیر قابل قبول است.

جمهوری اسلامی ایران به دلیل عضویتش در سازمان بین المللی کار موظف به رعایت اصول بنیادی این سازمان از جمله اصل آزادی تشکل است. ما مطلع شدیم که وزارت کار شما بارها به کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری که ما عضو آن هستیم اطمینان داده است که متعهد به حقوق کارگران و گفتگو با جنبش اتحادیه ای بین المللی است.

ما مصرأ از دولت شما می خواهیم که آزادی فوری و بی قید و شرط آقای اسانلو را تضمین کند.

ارادتمند، لوئیجی آنجه لتی، دبیر کل

۱۰ ژوئیه ۲۰۰۷

ترجمه و تکثیر: اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران